

بررسی رابطه جهت گیری زندگی و تنظیم هیجانی با دلزدگی زناشویی در کارکنان آموزش و پرورش شهرستان بم

سمانه قلندری^۱، میترا کامیابی^۲

^۱ کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده، آموزگار مقطع ابتدایی (نویسنده مسئول)

^۲ هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، گروه روانشناسی

چکیده

هدف از مطالعه حاضر بررسی رابطه جهت گیری زندگی و تنظیم هیجانی با دلزدگی زناشویی در کارکنان آموزش و پرورش شهرستان بم بود. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این تحقیق کلیه کارکنان آموزش و پرورش شهرستان بم که تعداد آنها ۱۲۰۰ نفر بود. حجم نمونه با استفاده از شیوه نمونه گیری در دسترس و با استفاده از جدول مورگان تعداد ۲۹۱ نفر در نظر گرفته شد. جمع آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه جهت گیری زندگی شی پر و کارور (۱۹۸۵)، پرسشنامه تنظیم هیجان گارنفسکی، کرایچ و اسپینهاون (۲۰۰۱)، پرسشنامه دلزدگی زناشویی پاینز (۱۹۹۶) انجام گرفت. به منظور تحلیل داده های جمع آوری شده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام با استفاده از نرم افزار Spss ۲۱ انجام شد. نتایج رگرسیون گام به گام نشان داد که جهت گیری زندگی به تنهایی توانسته ۰/۱۱ دلزدگی زناشویی در کارکنان را پیش بینی کند. در گام دوم با وارد شدن تنظیم هیجانی میزان پیش بینی دلزدگی زناشویی در کارکنان به ۰/۱۳ افزایش یافته است. در مجموع این دو متغیر قادر به تبیین ۱۳٪ واریانس دلزدگی زناشویی در کارکنان بوده اند. ضریب بتا متغیر جهت گیری زندگی ۰/۲۲ و تنظیم هیجانی ۰/۱۹ است که نشان دهنده این است جهت گیری زندگی توان پیش بینی کنندگی بیشتر تغییرات دلزدگی زناشویی در کارکنان را دارد.

واژه های کلیدی: جهت گیری زندگی، تنظیم هیجانی، دلزدگی زناشویی، کارکنان آموزش و پرورش، بم